




doi 10.22059/JIS.2022.349844.1160

Research Paper

Imagology of Iranian Women in Raphael Du Mans' Travelogue

Farzaneh Saniei¹ | Ehsan Ghabool^{2✉} 

1. PhD candidate of Persian Language and Literature, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: Fa.saniei@mail.um.ac.ir
2. Corresponding Author; Assistant Professor of Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: ghabool@um.ac.ir

Article Info.

Received:
2022/10/13

Accepted:
2022/12/04

Keywords:
*Imagology,
Iranian Women,
Raphael Du
Mans, Safavid
era.*

Abstract

This paper aims to study the image of Iranian women in the Safavid era within the work of French priest Raphael Du Mans entitled the Status of Iran in 1660 . This book is one of the first works written in French about Safavid Iran and its author is unique among European tourists who traveled to Iran due to the length of his stay in Iran (more than half a century) and is also more famous than many other French tourists like Jean Chardin or Jean-Baptiste Tavernier. The present research seeks to first thematically classify the descriptions that Du Mans presents of Iranian women, based on the knowledge and method of imagology and then analyze his evaluative attitude towards Iranian women in each of these themes. Then, the reasons for this attitude are investigated based on intra-textual and extra -textual components. For this purpose the images of women within his book are extracted and classified. These images include women of religious minorities, the position of women inside and outside the house, dancing women, issues related to women's marriage and divorce, and polygamy. Then, by referring to historical resources and also checking the intratextual signs based on imagology the positive or negative evaluation of the images and the context of their formation are analyzed and identified. The result of the research is that most of the images that Du Mans presents of Iranian women have a negative connotation; the reason for which can be found in the purpose of his trip his European sense of superiority and also his ideas about women as a Catholic priest. Most of the images presented in Raphael Du Mans 's book can be considered direct images, because the author has lived in Iran for many years and has made numerous observations.

How To Cite: Saniei, Farzaneh; Ghabool, Ehsan (2023). Imagology of Iranian Women in Raphael Du Mans' Travelogue. *Journal of Iranian Studies*, 13 (3), 41-59.

Publisher: The University of Tehran Press.





تصویرشناسی زنان ایرانی عصر صفویه در سفرنامه رافائل دومان

فرزانه صنیعی^۱ | احسان قبول^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: Fa.saniei@mail.um.ac.ir
۲. نویسنده مسئول؛ عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: ghabool@um.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

سفرنامه‌ها یکی از انواع آثار ادبی-تاریخی به شمار می‌روند که نگاه و نگرش نویسندگانی را به مکان‌های نو توصیف می‌کند. در این پژوهش، برآنیم به بررسی تصویر زنان ایران عصر صفوی در سفرنامه رافائل دومان، کشیش فرانسوی، با عنوان *وضع ایران در سال ۱۶۶۰*، دست یابیم. این اثر یکی از نخستین آثار به زبان فرانسه درباره ایران عصر صفوی است و نویسنده آن، از جهت طول مدت اقامت در ایران (بیش از نیم قرن) در میان سیاحان اروپایی که به ایران سفر کرده بودند کم‌نظیر است، ضمن آنکه بر بسیاری از سیاحان مشهور فرانسوی همچون شاردن و تاورنیه فضل تقدم دارد. لذا تصاویر ایرانیان در این اثر در جایگاه تصاویر سرچشمه و تأثیرگذار بر تصویرپردازی دیگر سفرنامه‌نویسان فرانسوی محسوب می‌شود. در این زمینه دو پرسش اصلی این جستار عبارت‌اند از: دومان چه جنبه‌هایی از زندگی زنان ایرانی را به تصویر کشیده است؟ دلایل نگرش ارزش‌گذارانه دومان نسبت به زنان ایرانی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها از دانش و روش تصویرشناسی بهره جستیم؛ از این رو، نخست براساس شاخصه‌های موضوعی تصویر زنان را در اثر دومان دسته‌بندی کردیم، شاخصه‌هایی همچون: زنان اقلیت‌های دینی، موقعیت زنان در درون و بیرون منزل، زنان رقاصه، مسائل مربوط به ازدواج و طلاق زنان و چندهمسری در خانواده‌های ایرانی. پس از آن نگرش ارزش‌گذارانه دومان در هر موضوع را نسبت به زنان ایرانی تحلیل و ارزیابی کردیم و در این میان تا حدی به بررسی چرایی این نگاه و نگرش براساس نشانه‌های درون‌متنی و منابع تاریخی عصر صفوی پرداختیم. منظور از نشانه‌های درون‌متنی عناصری همچون قیدها، صفت‌ها، الفاظ و عبارات خاص و همچنین لحن نویسنده است. نتیجه تحقیق این است که غالب تصاویری که دومان از زنان ایرانی ارائه می‌کند بار معنایی منفی دارند. دلیل این نگرش منفی را می‌توان نخست در هدف سفر او، به‌عنوان یک مبلغ مسیحیت کاتولیک که مسلمانان را از نظر عقیدتی بر خطا می‌داند، جست‌وجو کرد. خودبترتیبی اروپایی او و فرودست دانستن ایرانیان، همچنین عقایدش درباره زنان در جایگاه یک کشیش کاتولیک نیز در این نگرش مؤثرند. ضمن آنکه واقعیت جایگاه اجتماعی زنان در دوره صفوی را در نگاه منفی وی نمی‌توان نادیده انگاشت.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۹/۱۳

واژه‌های کلیدی:

تصویرشناسی، زنان ایرانی، رافائل دومان، صفویه، فرانسه.

استناد به این مقاله: صنیعی، فرزانه؛ قبول، احسان (۱۴۰۲). تصویرشناسی زنان ایرانی عصر صفویه در سفرنامه رافائل دومان. فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۳ (۳)، ۴۱-۵۹.



مقدمه

ژاک دوترتر^۱ مشهور به رافائل دومان^۲ مبلغی از فرقه کاپوسن بود. وی در آگوست ۱۶۱۳ در لومان متولد شد. پدرش وکیل دعاوی و از وابستگان به دربار حکمران لومان بود. در سال ۱۶۳۶، ژاک که تحصیلاتی مطابق معمول آن زمان را پشت سر گذاشته بود، تصمیم گرفت وارد دیر کاپوسن شود. فرقه کاپوسن، که شاخه‌ای از فرقه فرانسیسکن است، در آن دوران در اوج شکوفایی قرار داشت و جوانان بسیاری حتی از خانواده‌های اشراف و نجیب‌زادگان را به خود جذب می‌کرد. مأموریت کاپوسن‌ها در شرق از سال ۱۶۲۶ آغاز شده بود. هدف آنان در وهله نخست، اتحاد کلیسای کاتولیک روم با کلیساهای شرق و آرامنه بود و پس از آن، دعوت مسلمانان به مسیحیت، از طریق خطابه‌هایی که ظواهر ارزش‌های اسلامی را محترم می‌شمرد (Richard, 2012).

ژاک در سال ۱۶۳۷ سوگند ورود به کلیسا را یاد کرد و نام رافائل دومان را برای خود برگزید و در سال ۱۶۴۱ یا ۱۶۴۲ رسماً کشیش فرقه کاپوسن شد. در سال ۱۶۴۵ یا ۱۶۴۶، به اولین مأموریتش در قاهره رفت و در سال ۱۶۴۷ وارد دیر کاپوسن فرانسوی اصفهان شد. قبل از او، مبلغان کاپوسن دیگری نیز به اصفهان سفر کرده بودند که از آن میان می‌توان پاسیفیک دو پروونس^۳ و گابریل دو شینون^۴ را نام برد. این مبلغان با کاتولیک‌های غیر کاپوسن مستقر در ایران رقابت زیادی داشتند. در بدو ورود، وی توسط آمبرواز دو پروی^۵ و والتین دانژه^۶ پذیرفته شد. این دو نخستین مربیان او در دیر کاپوسن اصفهان بودند که آموزش‌های لازم درباره زبان و فرهنگ ایرانی را به او دادند و او را به حامیان خود در دربار مرتبط ساختند. در سال ۱۶۴۹ دومان رئیس دیری شد که برای اروپاییان تازه‌وارد حکم مهمانسرا را داشت. تا سال ۱۶۵۶-۵۷، کاپوسن‌ها برای آرامنه اصفهان برنامه‌های وعظ و تبلیغ داشتند. بعد از اینکه شاه عباس دوم (۱۶۴۲-۶۶) آرامنه را به حومه اصفهان آن دوران (جلفای امروزی) راند، رافائل تلاش کرد در محل تازه دیری برپا کند، اما موفق نشد (Richard, 2012).

از او به‌عنوان دانشمندی یاد شده که برخی اکتشافات اروپاییان، مانند سمعک، را به ایرانیان معرفی کرد (عقیلی، ۱۳۹۳: ۹۲). دومان ظاهراً کتابخانه‌ای غنی هم داشت و در علمی مانند ریاضیات و نجوم متبحر بود. حکایتی درباره مناظره او با حکیمی مسلمان نقل شده که در آن توانایی دومان در علم رمل در حضور شاه آزموده می‌شود (جعفریان، ۱۳۹۵). این حکایت، هرچند ساختگی، نشان می‌دهد مهارت او در این شاخه از علوم شهرت داشته است. پتی‌دلاکروا از یک رساله با عنوان «پاسخ‌هایی از دانشمندان پارسی راجع به سحر» یاد می‌کند که دومان آن را نوشته و امروزه در دسترس نیست (Richard, 2012).

1. Jaques Dutertre
2. Raphael Du Mans
3. Pacifique de Provins
4. Gabriel de Chinon
5. Ambroise de Preuilly
6. Valentin d'Angers

دومان از سال ۱۶۵۰ تا زمان مرگش مترجم اصلی دربار بود. بنابراین، هر دیپلمات و سیاح اروپایی که به دربار راه می‌یافت با او ملاقات می‌کرد. بسیاری از این سیاحان در آثار خود از او سخن گفته‌اند و غالباً او را تحسین کرده‌اند. او پیگیر همان وظیفه کاتولیک‌های نخستین در ایران بود؛ یعنی حفظ بهترین رابطه با دربار به امید گرویدن دربار ایران به مذهب کاتولیک رومی. دومان با کلبر، وزیر اقتصاد لویی چهاردهم، نیز مکاتبه داشت. گمان می‌رود کتاب *وضع ایران در سال ۱۶۶۰* راهنمای کلبر برای تأسیس کمپانی هند شرقی در سال ۱۶۶۴ بوده و به درخواست خود او نوشته شده باشد (Richard, 2012).

به جز کتاب *وضع ایران در سال ۱۶۶۰*، نوشته‌های دیگری نیز از دومان به جا مانده‌اند. دومان برای دولان رساله‌ای به نام *وضع ایران در سال ۱۶۶۵* را به رشته تحریر درآورد. کتاب *درباره ایران*^۱ را نیز برای انگلبرت کمپفر و همراهش از سفارت سوئد نوشت. به جز آن، یک دستور زبان ترکی و فرهنگ لغت ترکی نیز برای آنان تألیف کرد. با این حال، احتمال می‌رود بیشتر نوشته‌های او با نوشته‌های تاورنیه آمیخته شده و اصلشان از بین رفته باشد (Richard, 2012).

دومان را در صحنه سیاست خارجی ایران نیز می‌توان نقش‌آفرین دانست. درباریان صفوی عموماً توصیه‌های گوناگون او را در باب مسائل سیاسی مختلف می‌پذیرفتند، هرچند گاهی اوقات نیز به این توصیه‌ها با دیده تردید نگریسته می‌شد؛ مثلاً هنگامی که مذاکرات اتحاد ایران و لهستان و امپراتوری مقدس روم در جریان بود، متهم به این شد که از سیاست بی‌طرفی لویی چهاردهم به نفع عثمانی دفاع می‌کند (Richard, 2012). اما در مجموع به نظر می‌رسد او در دربار ایران شخص بانفوذی محسوب می‌شده است. یکی از نشانه‌های این سخن این است که به کمک او فرانسویان توانستند امتیازات خوبی مانند معافیت گمرکی سه‌ساله را از شاه ایران بگیرند (عقیلی، ۱۳۹۳: ۹۲).

دومان پس از حدود چهارده سال اقامت در ایران، کتاب *وضع ایران در سال ۱۶۶۰* را نوشت. این اثر در شرح و توصیف وجوه مختلف زندگی ایرانیان است؛ همچون: عقاید مذهبی، آداب و رسوم و آیین‌ها، مشاغل و مناصب درباری، وضع بهداشت و بیماری‌ها و تفریحات رایج در ایران. اهمیت بررسی دیدگاه‌های دومان نخست از آن روست که او از نظر طول مدت اقامت در ایران (۵۱ سال) در میان اروپاییان کم‌نظیر است (البته کتاب مورد پژوهش، حدوداً در چهارده‌سالگی اقامت وی در اصفهان نگاشته شده است) و دوم اینکه بسیاری از مسافران اروپایی شرق از آموزش‌ها و راهنمایی‌های او بهره برده‌اند و از ذهنیت او نسبت به ایرانیان تأثیر پذیرفته‌اند.^۲ کتاب وی با حواشی و تعلیقات شارل شفر^۳ در ۱۸۹۰ منتشر شد و تا کنون به فارسی ترجمه نشده است.^۱

1. De Persia

۲. از جمله سیاحانی که رافائل دومان را دیده و در اثر خود او را تمجید کرده‌اند می‌توان افراد زیر را نام برد: ژان باتیست تاورنیه (Jean-Baptiste Tavernier)، ژان دو تهون (Jean de Thévenot)، ژان شاردن (Jean Chardin)، پتروس بدیک (Petrus Bedik)، ژان فرایر (John Fryer)، انگلبرت کمپفر (Engelbert Kaempfer)، پتی‌دلاکروا (Petis de la Croix)، کارری (Careri) و دولیه‌دلاند (Daulier Deslandes).

3. Charles Scheffer

چارچوب نظری این پژوهش براساس دانش و روش تصویرشناسی است. تصویرشناسی شاخه‌ای از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی است که به بررسی تصویر خودی در ادبیات بیگانه و تصویر بیگانه در ادبیات خودی می‌پردازد. طبق گفته مونتاندون، تصویرشناسی پژوهش درباره بازنمایی‌های بیگانگان در ادبیات است. بر این اساس، تصویرشناسی از سویی بر مستندات استوار است که روایت سفر باشند - نوشته جاتی از هر ژانر- و از سویی دیگر بر آثار داستانی که خواه مستقیماً بیگانه را به تصویر کشیده باشند و خواه به یک دید عمومی و کم‌وبیش استرئوتیپ‌وار از کشور بیگانه ارجاع داده باشند (2002: 252).^۲ موضوع تصویرشناسی تقابل «خود» و «دیگری» است. نوع نگاه به دیگری در هر فرهنگ نیز معمولاً از وقایع و جریان‌های تاریخی، عقاید، دانسته‌ها و پیشینه فرهنگی آن قوم ریشه می‌گیرد. بر این اساس، در تصویرشناسی گردآوری مستندات تاریخی، فرهنگی و جامعه‌شناختی ضروری است.

طبق نظر لاتیشیا نانکت، بررسی تصویرشناختی هر متن طی مراحل ذیل انجام می‌پذیرد: نخستین مرحله تصویرشناسی در سطح زبان اتفاق می‌افتد. کاری که در این مرحله انجام می‌شود بررسی واژگان از جمله صفت‌ها، تکرارها و اتفاق‌ها، استفاده ناخودآگاه از واژگان هنگام توصیف مکان‌ها و کلماتی است که بدون ترجمه در متن مقصد به کار می‌رود و فضایی غریب ایجاد می‌کند (۱۳۹۰: ۱۰۸). بسامد صفت‌هایی که نویسنده خارجی از سر علاقه یا انزجار بیان می‌کند، حاکی از نگاه مثبت یا منفی راوی به دیگری است. وجود قیدهایی که تردید یا احتمال را بیان می‌کنند نشان‌دهنده این است که تصویرپرداز سعی دارد نگاه منصفانه خود را حفظ کند، حال آن که قیدهایی حاکی از قطعیت نشان‌دهنده این است که تصویرپرداز خود را حق به جانب می‌داند. بررسی زبان سپس به سوی تحلیل شاخصه‌های دیگر می‌رود. از بررسی سطح زبان به بررسی شخصیت‌های متن می‌رسیم، زیرا آنان مرحله بسیار مهمی از دسترسی به جهان داستان و متن را ممکن می‌کنند. با کدام شخصیت همذات‌پنداری می‌کنیم و کدام‌یک در ما احساس تنفر برمی‌انگیزد؟ مرحله بعدی بازنمایی فضا و رابطه شخصیت با آن است. مقصود از فضا، بافت تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌ای است که در متن بازتاب یافته است و در این مرحله، موقعیت شخصیت در این فضا و پیوندش با آن بررسی می‌شود. سرانجام، چهارمین مرحله، بررسی مقوله زمان است که طی آن زمان من و زمان دیگری بررسی می‌شود. آیا در ارتباط با زمان دیگری ناهم‌زمانی‌هایی وجود دارد؟ آیا اطلاعاتی که مربوط به بازه متفاوتی از زمان دیگری بوده است، بر بازنمایی کنونی تصویرساز تأثیر گذاشته است؟^۳ (۱۳۹۰: ۱۰۸)

۱. جهت رعایت اختصار در ارجاعات به کتاب مذکور، به ذکر حرف نخست نام نویسنده (د) و شماره صفحه اکتفا کرده‌ایم.
۲. هرچند این شاخصه مد نظر نانکت در آثار داستانی کاربرد بیشتری دارد، اما در اثر دومان نیز سعی شده است خود وی در جایگاه شخصیت راوی تحلیل شود و زنان ایرانی در جایگاه شخصیت‌های اثر تاریخی او.
۳. موضوع ناهم‌زمانی میان زمان حیات نویسنده و تصاویر ارائه‌شده درباره دومان و اثرش صدق نمی‌کند، زیرا تصاویری که

تصاویر ارائه شده از فرهنگ دیگری را می‌توان در وهله اول در دو دسته اصلی جای داد: نخست، تصاویری که حاصل تجربه مستقیم تصویرپرداز است و تصویرپرداز خود در درون فرهنگ بیگانه حضور یافته و حاصل مشاهدات خود را نگاشته است. همچون تصاویری که ناصر خسرو از شهرها و مردم مصر یا حجاز ارائه می‌دهد. دسته دوم، تصاویر غیر مستقیمی هستند که نویسنده از رهگذر روایت‌های مکتوب یا شفاهی دیگران آن‌ها را در اثر خود بازگویی می‌کند.^۱ مثلاً تصاویر ایرانیان در آثار ادبی فرانسویان قرن هفدهم و هجدهم از نوع تصاویر غیر مستقیم است، زیرا نویسندگان این آثار هرگز خود به ایران سفر نکرده بودند و تصاویری که می‌آفریدند از رهگذر مطالعه کتاب‌های شرقی ترجمه شده؛ همچون هزارویکشب یا آثاری چون گلستان سعدی در ذهن آنان مجسم شده بود.

رافائل دومان، مبلغی از فرقه کاپوسن مسیحیت، پس از حدود سیزده سال حضور در اصفهان کتاب *وضع ایران در سال ۱۶۶۰* را برای معرفی ابعاد مختلف سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و آموزشی نگاشت. یکی از موضوعاتی که در بخش‌های مختلف اثر دومان به چشم می‌خورد وضعیت زنان ایرانی است. به‌رغم اهمیت اثر دومان در جایگاه یکی از نخستین آثار^۲ به زبان فرانسه، که زنان ایرانی عصر صفوی را از منظر خود توصیف کرده است، تاکنون پژوهشی درباره بررسی و تحلیل زنان از منظر دانش تصویرشناسی در این اثر مهم صورت نگرفته است و در این جستار ما برآنیم از رهگذر پاسخ به دو پرسش زیر زوایایی از این مسئله مهم را آشکار کنیم:

دومان چه جنبه‌هایی از زندگی زنان ایرانی عصر صفوی را به تصویر کشیده است؟

دلایل نگرش ارزش‌گذارانه دومان به زنان ایرانی عصر صفوی چیست؟

بررسی پیشینه تحقیق

محققان ایرانی، احتمالاً به دلیل ترجمه نشدن کتاب دومان، توجه چندانی به این نویسنده و اثرش نداشته‌اند و مقالات اندکی با موضوع زندگی و آثار او در دست است. از آن میان موارد ذیل را می‌توان نام برد: آگاهی (۱۳۵۳) در مقاله «وضع ایران در زمان شاه عباس ثانی» برای نخستین بار اجمالاً سفرنامه رافائل

او از زنان ایرانی توصیف می‌کند به زمان حیاتش بازمی‌گردد و از نوع تصاویر مستقیم است.

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه انواع تصاویر، ن.ک:

Dadvar, Ilmira (2011) *Imagologie*. Teheran, Centre d'études pour l'élaboration de manuels d'enseignement des sciences humaines dans les universités (SAMT)

۲. از جمله آثار پیش از دومان می‌توان به سفرنامه پاسیفیک دو پروونس (۱۶۳۱) و سفرنامه الکساندر دو رودس (۱۶۵۳) اشاره کرد که هر دو از مبلغان مسیحی بودند و هریک تنها بخش کوچکی از کتاب خود را به ایرانیان اختصاص داده‌اند، حال آنکه کتاب دومان سراسر به توصیف ایران و ایرانیان اختصاص دارد. سفرنامه گابریل دوشینون نیز، که هم‌زمان با دومان در ایران به سر می‌برد، در ۱۶۷۱ به چاپ رسیده است، بنابراین می‌توان فضل تقدم را از آن دومان دانست.

دومان را معرفی می‌کند و در این میان صفحاتی از آن را که دربارهٔ مشاغل درباری و درآمد صاحبان آن مشاغل است به فارسی ترجمه می‌کند. روش پژوهش در این مقاله تاریخی-توصیفی است، با این توضیح که نویسنده صرفاً بر بنیان منابع تاریخی اطلاعاتی را از ایران عصر صفوی به صورت کلی بازگو می‌کند. ساجدی (۱۳۹۷) در مقاله «رافائل دومان فرانسوی و ایران عصر صفوی» برای نخستین بار براساس کتاب رافائل دومان، مبلّغی در شرق نوشتهٔ فرانسیس ریشار رافائل دومان را به جامعهٔ علمی ایرانیان معرفی می‌کند. او با روشی تاریخی و توصیفی به معرفی رافائل دومان، فعالیت‌های میسیونری کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در زمان او و ارتباطات او با سایر مبلّغان و سیاحان اروپایی پرداخته است. چنان که ملاحظه می‌شود، تاکنون پژوهشی با محوریت تحلیل تصاویر زنان ایرانی عصر صفوی انجام نشده است و در این جستار برآنیم برای نخستین بار با رویکرد تصویرشناسی دربارهٔ این مسئله تحقیق کنیم.

روش‌شناسی تحقیق

روش عملیاتی این پژوهش براساس دانش تصویرشناسی است. در این زمینه، نخست با مطالعهٔ دقیق اثر رافائل دومان کلیهٔ تصاویر زنان ایرانی را شناسایی و در پنج دسته طبقه‌بندی موضوعی کردیم. در گام دوم، با تحلیل زبان و بافتار متن نگرش ارزش‌گذارانهٔ دومان را ارزیابی کردیم. پس از آن، با بررسی عناصر درون‌متنی و بررسی منابع معتبر عصر صفوی و فرانسه قرن هفدهم دلایل نگرش ارزش‌گذارانهٔ وی را تبیین و شناسایی نمودیم. ارائهٔ جدول‌های آماری و تحلیل کمی تصاویر زنان بخش پایانی این تحقیق را تشکیل داده است. این پژوهش از منظر فضای پژوهش کتابخانه‌ای و از منظر رویکرد تحقیقی، توصیفی-تحلیلی است؛ با این توضیح که نخست تصاویر زنان عصر صفوی توصیف و طبقه‌بندی و سپس براساس دانش تصویرشناسی تجزیه و تحلیل شده‌اند.

تصویر زنان در سفرنامهٔ رافائل دومان

۱. زنان اقلیت‌های دینی

در مورد زنان اقلیت‌های دینی، تفاوت پوشش آنان با زنان مسلمان نخستین چیزی است که توجه دومان را به خود جلب کرده است. زنان زردشتی، برخلاف مسلمانان، صورت خود را نمی‌پوشاندند و آن را کاملاً باز می‌گذاشتند. اما زنان ارمنی نه مثل زنان مسلمان کاملاً روی خود را می‌پوشاندند و نه مثل زردشتیان کاملاً باز می‌گذاشتند، بلکه راهی میانه را برمی‌گزیدند و با پارچه‌ای به نام «یوزماج» مثل روبنده، نوک بینی و دهان و چانه خود را می‌پوشاندند و دیده نشدن دهان را نشانهٔ نزاکت و حیا می‌دانستند. جنس لباس ایشان نیز ظریف‌تر و گرانبه‌تر از لباس‌های زنان مسلمان بود، زیرا به گفتهٔ دومان، شوهرانشان آنچه از چیزهای زیبا در توانشان باشد از غرب می‌آوردند تا زانشان را بپوشانند (د: ۴۶).

سپس دومان قدری به زندگی خانوادگی ارامنه می‌پردازد. طبق مشاهدات او، وضعیت زندگی زنان ارمنی در خانه شوهر چندان مطلوب نیست: تازه‌عروس‌هایشان در خانه مادرشوهر مثل خدمتکارند. مادرشوهر خواب است که عروس برمی‌خیزد و همه کارها و خدمات منزل - و نه اداره آن - با اوست. مادرشوهر به عروس‌هایش امر و نهی می‌کند و عروس‌ها جرئت ندارند حرفی بزنند، مگر با اشاره و در سکوت. با پدرشوهر هم وضع همین است. این سکوت ده پانزده سال یا بیشتر طول می‌کشد و تا زمانی که عروس در قید حیات باشد، به ملاحظه احترام بزرگ‌تر اجازه ندارد در حضور آنان حرف بزند. ایشان فرزندان‌شان را در سن خیلی پایین همسر می‌دهند... (د: ۴۶).

دومان سه تصویر از پوشش و سه تصویر از زندگی خانوادگی ارامنه ارائه می‌دهد. دو تصویر از تصاویر مربوط به پوشش (روبنده و خارجی بودن پارچه لباس) خنثی و تنها یک تصویر (مرغوبیت پارچه لباس) مثبت‌اند، اما تصاویر مربوط به زندگی خانوادگی همگی منفی‌اند. همچنین، دومان این زنان را با لحن تحقیرآمیزی ضعیفه^۱ یاد کرده است که شوهران باید آنان را بپوشانند. دلیل این نگاه منفی می‌تواند در وهله نخست این باشد که ارامنه، به‌رغم پذیرش و آزادی نسبی در جامعه مسلمانان، همچنان شهروندان درجه‌دومی محسوب می‌شدند که از وطن اصلی خود آواره شده‌اند. دومان خود در جایی از کتابش می‌نویسد اعتمادالدوله، وزیر اعظم صفویان، به ارامنه‌ای که ادعا می‌کردند فرانسوی هستند می‌گوید: «فرانسویان دانش، سلطنت و امپراتوری‌هایی متعلق به خودشان دارند، اما شما برده و اسیرید» (د: ۸۰). دلیل دوم این نگاه می‌تواند ناکامی دومان در دعوت ارامنه به مذهب خود باشد. ارامنه ایران پیروان گریگوری روشنگر بودند و دومان کاتولیکی از فرقه کاپوسن بود. اما او و سایر مبلغان مسیحی نه‌تنها در جذب مسلمانان، بلکه در جذب ارامنه ایرانی نیز توفیقی نیافتند (عقیلی، ۱۳۹۳: ۸۵).

جایگاه و رفتار زنان ارامنه در خانه در توصیفات تاورنیه نیز آمده است. به گفته او در خانواده‌های ارمنی، عروس همواره زودتر از دیگران و درحالی که هوا هنوز تاریک است از خواب برمی‌خیزد. برخی ارامنه نیز هستند که پس از ده سال از ازدواجشان، هنوز صدا و صورت زنشان را نشنیده و ندیده‌اند، زیرا هر قدر شوهر و اقوامش با زن سخن بگویند، او فقط با اشاره سر جواب می‌دهد (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۳). ازدواج ارامنه در سنین کم را تاورنیه نیز بیان کرده است: ارامنه گاه اطفال را از دو یا سه سالگی با یکدیگر نامزد می‌کنند و اغلب اتفاق می‌افتد که دو زن آباستن که با یکدیگر دوست هستند، اطفال را نزاییده نامزد می‌کنند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۱).

نکته جالب توجه دیگر این است که دومان چنین جزئیاتی را درباره زنان مسلمان مطرح نمی‌کند، احتمالاً به این دلیل که راهی به اندرونی منازل مسلمانان نداشته و به مشاهدات خود درباره زنان اقلیت‌های مذهبی اکتفا کرده است و البته همین تا حدی تأیید می‌کند توصیفات و گزارش‌های دومان حاصل مشاهدات او بوده است و براساس گمانش مطالبی را نقل نمی‌کرده است.

۲. موقعیت زنان در درون و بیرون از منزل

طبق گفتهٔ دومان، معماری خانه‌های ایرانی به گونه‌ای بود که زنان کمترین ارتباط را با بیرون داشته باشند. خانهٔ ایرانی به دو بخش تقسیم می‌شد: حرمخانه^۱ که بخش مخصوص بانوان بود و دیوانخانه^۲ که همه می‌توانستند وارد شوند. زنان هرچند از طبقهٔ فرودست بودند، به شدت از آنان مراقبت می‌شد. وظیفهٔ نگهداری از حرم به عهدهٔ خواجهگان^۳ بود که آزادانه به درون حرم رفت‌وآمد داشتند (د: ۹۵). همچنین، زشت‌ترین خواجهگان برای خدمت در حرمسرا انتخاب می‌شدند. موقعیت درون خانه برای زنان طبقات مختلف یکسان است، اما طبقات متمول تمکن مالی این را دارند که در بیرون از منزل نیز چنان فضای تحت‌الحفظی را برای زنان خود مهیا کنند: زنان اشرافی از خانه بیرون نمی‌روند، مگر شب‌ها آن هم در معیت چند قرقچی (کسی که پیشاپیش آنان می‌رود و مردم را از سر راهشان دور می‌کند) تا یک وقت خدای‌نکرده کسی چشمش به این پریزادان نیفتد! زنان طبقهٔ فرودست تنها به خیابان می‌روند. اما با روبنده‌ای از پارچهٔ دراز سفید که ایشان با آن روبنده از بالای سر تا نوک پایشان را می‌پوشانند و فقط یک شکاف کوچک برای اینکه پیش پایشان را ببینند باز می‌گذارند. ولی باز در زیر این نقاب آن قدر بی‌آزم^۴ هستند که چشمانشان را تا حدّ ممکن می‌درانند و به این طرف و آن طرف می‌نگرند؛ درحالی‌که زنان ما از خانه‌شان تا بازار یا کلیسا به‌زحمت چشم از زمین برمی‌دارند و عفتی آزادمنشانه و عاقلانه را حفظ می‌کنند (د: ۹۶).

دومان در بسیاری از موارد تصاویری را که از زنان ایرانی توصیف می‌کند با زنان کشورش مقایسه می‌کند و در این مقایسه تصاویری منفی از زنان ایرانی و تصاویری مثبت از زنان کشور خود ترسیم می‌کند. شاید دلیل این نگرش اروپامحوری و حس قربایت و دلتنگی‌ای باشد که به کشورش دارد.

تنها گردش و تفریح زنان در خارج از منزل، شرکت در مراسم عزاداری است؛ خصوصاً عزاداری مربوط به دههٔ نخست ماه محرم، زنان در روضه‌خوانی‌ها شرکت می‌کنند و سعی روضه‌خوان نیز بر این است که هرچه بیشتر احساسات آنان را تحریک کند و آنان را به فریاد و شیون وادارد. دومان از زنانی که پای منبر حاضر می‌شوند با عبارت تحقیرآمیز زنک^۵ یاد می‌کند. همچنین، زنان در شب‌های جمعه در گورستان‌ها دیده می‌شوند: پنج‌شنبه‌شب‌ها زمان گشت‌وگذار زن‌ها در قبرستان و گریستن بر قبر اموات خودشان است. اینجا مهارت کسانی که ناجورتر رفتار کنند، جیغ بزنند و بلند زوزه بکشند عیان می‌شود (د: ۹۴).

دومان در جای‌جای متن خود از کلمات فارسی با حروف لاتین استفاده کرده است. موارد زیر دقیقاً همانی است که دومان در اثرش نگاشته است:

1. haramxoné
2. divanxoné
3. Les chatrés
4. bihaya
5. femmelette

دومان در جای دیگری نیز این خصوصیت زنان را به نقد کشیده است و آن هنگامی است که شخصی در منزل از دنیا می‌رود: وقتی کسی می‌میرد، چنان غریو مهیبی (خصوصاً از زنان) برمی‌خیزد که همسایگان لاجرم خبردار می‌شوند، این عفریته‌ها را می‌بینید که از حال می‌روند، لباسشان را می‌درند، بر سینه می‌کوبند، جیغ می‌زنند و زوزه می‌کشند، انگار عجله دارند زودتر از پی میّت بروند. با دیدن این غوغا خیال می‌کنید این افراط در سوگواری دلیلش علاقه به تازه گذشته است و لاغیر. اما جسد هنوز حاضر است که می‌بینی صورتشان را پاک کردند، انگار نه انگار که گریسته بودند و به دنبال قاضی می‌فرستند که فوت فلانی را به او خبر دهند (د: ۸۹).

چنان‌که امروز نیز ملاحظه می‌شود، آیین عزاداری ایرانیان و غربیان متفاوت است و ایرانیان - خصوصاً زنان - شاید به دلیل احساسی بودن و برخی پیش‌زمینه‌های مذهبی در هنگام عزاداری با صدای بلند گریه و شیون سر می‌دهند که این ویژگی از دوره صفویه برای ایرانیان بوده است و همین نوع عزاداری با سبک عزاداری آرام اروپاییان مسیحی متفاوت بوده است و تعجب و توصیف دومان را برانگیخته است و بنا به سبک غالب زبانی‌اش از عبارت تحقیرآمیز «عفریته»^۱ و فعل «زوزه کشیدن»^۲ بهره می‌گیرد.

از گفته‌های دومان برمی‌آید که این تحت‌الحفظ بودن به نوعی با منزلت اجتماعی زنان در پیوند بود. زنان ثروتمند از حدّ اعلای آن برخوردار بودند؛ به طوری که زنان متشخص و اشراف کمتر از خانه بیرون می‌رفتند و گشت‌وگذار و دید و بازدیدهای آن‌ها فقط در شب اتفاق می‌افتاد. آن هم به این صورت که عده‌ای سوار صد قدم جلوتر و عده‌ای سوار صد قدم پشت سر حرکت می‌کردند و فریاد می‌زدند: قرق! قرق! یعنی همه مردم، خصوصاً مردان، کنار بروند و کسی نزدیک نشود. با شنیدن فریاد سواران، همه مردان به سرعت از محل دور می‌شدند و اگر کسی مثلاً پیرمرد یا فرد بیماری بی‌توجهی یا مقاومت نشان می‌داد، او را همان‌جا می‌کشتند و برای این عمل تشویق هم می‌شدند (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۹). اما زنان کم‌برخوردار در بیرون از منزل تنها بودند.

همه تصاویر ذکر شده از زندگی بانوان در درون و بیرون منزل منفی هستند و علاوه بر آن، دومان با لحنی استهزاآمیز زنان محدودشده در حرمخانه را «پریزادان» و «صدرنشینان» می‌خواند. این سبک بیانی دومان از یک سو به سبک ادبی او بازمی‌گردد که در توصیفاتش کنایات و استهزائاتی را می‌آورد و از سوی دیگر به اختلاف مشاهداتش با پیش‌فرض‌های فرهنگی و مذهبی‌اش؛ چنان‌که نمونه‌های متعدّد نگرش منفی او از دین اسلام در نوشته‌هایش هست.

1. mégère
2. hurler

۳. زنان رقاصه

در کتاب دومان هیچ فعالیت جدی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای زنان ذکر نمی‌شود. به جز فعالیت در قالب دلالگی در ازدواج، تنها زمانی که دومان از شغلی خاص زنان سخن می‌گوید، در مورد زنان فاسد است. طبق نوشته‌های دومان، تنها زمانی که آزادی کامل داشتند، زنان بدکاره بودند که منزلت اجتماعی بسیار نازلی داشتند و زندگی‌شان از راه رقاصی و آوازه‌خوانی در خیابان‌ها می‌گذشت (د: ۱۱۸) و گاه نیز اجیر می‌شدند تا در مجالس و مهمانی‌ها برقصند و بعضی این بخت را می‌یافتند که از سوی شاه اجیر شوند تا در مراسمات دربار شرکت کنند. این عده دیگر به راحتی حاضر نمی‌شدند به مجالس عادی بروند، در زمره رقاصان گران‌قیمت قرار می‌گرفتند و فقط در مجالس بزرگان دیده می‌شدند (د: ۱۲۱). اما حتی دسته اخیر نیز همچنان از نظر اجتماع جایگاه پست و نازلی داشتند، زیرا به گفته دومان، در ایران هرگز مردان و زنان و دخترانی که نجیب یا چنان که دومان به فارسی نقل می‌کند آدمیزاده^۱ باشند نمی‌رقصند، زیرا این شغل خاص «قحبه‌های مجلسی»^۲ است (د: ۱۲۱).

این طبقه در بازه‌ای از عصر صفوی کاملاً رسمیت یافته بودند. در عصر شاه صفی و شاه عباس دوم فساد و فحشا و منکرات چنان در اصفهان شیوع پیدا کرده بود که در بسیاری از محلات و کوچه‌ها و خیابان‌های اصفهان خانه‌های فساد به نام «بی‌نقابان» وجود داشت و در آن‌ها فواحش و دلاله‌ها آشکارا فعالیت می‌کردند (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۶). هرچند مواردی از توبه دادن روسپیان به دست شاهان صفوی در تاریخ ثبت شده است، حقیقت این است که فعالیت روسپیان در حکومت صفوی رسمیت یافته بود، تشکیلات و نظم و نظامی خاص داشت و زنان فاحشه موظف به پرداخت مالیات بودند. منافع اقتصادی که فعالیت این زنان برای خزانه شاه داشت باعث می‌شد عزم جدی برای مبارزه با آنان وجود نداشته باشد (کاظمی، ۱۳۹۵: ۵۸۰). هرچند در دوره شاه عباس دوم، پس از منع شرب خمر، فعالیت زنان روسپی و رقاصه نیز ممنوع شد (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۷۰-۷۱).

اینکه دومان تنها این طبقه اجتماعی از زنان عصر صفوی را توصیف می‌کند محل تأمل است، زیرا شواهد تاریخی نشان می‌دهد طبقاتی از زنان عصر صفوی دارای قدرت و فعالیت‌ها و پایگاه‌های اجتماعی سازنده بودند؛ مثلاً، ۲۹ درصد موقوفات عصر صفوی متعلق به زنان بود که از آن میان می‌توان به مدرسه جده کوچک، که بانی آن دلارام خانم، مادر بزرگ شاه عباس ثانی بود، اشاره کرد. در هنرهایی چون خطاطی و نگارگری نیز آثاری از بانوان هنرمند آن عصر باقی مانده است. چندین بانوی شاعر، عالم و محدث نیز در آن عصر می‌زیستند (ن.ک: منتظرالقائم و شعبانی، ۱۳۹۸: ۳).

1. ademyzadèh

2. qahbèhi medjlissi

۳. البته در کتاب *عالم آرای عباسی* بخشی به ذکر نام خوشنویسان، هنرمندان و شاعران عصر صفوی اختصاص یافته که نام

نکته جالب توجه این است که این جایگاه اجتماعی مؤثر زنان عصر صفوی در توصیفات گابریل دوشینون، کشیش فرانسوی که تقریباً هم‌زمان با دومان در ایران حضور داشت، آمده است و او از نقش غیر رسمی اما مهم بانوان در دربار صفویان سخن می‌گوید. او شرح می‌دهد که چگونه هنگامی که بزرگان دربار جرئت شفاعت گناهکاری را نزد شاه نداشتند، یک سخن از سوی بانویی می‌توانست نظر شاه را تغییر دهد و در هنگام مشکلات بعضاً راهنمایی و حتی پافشاری زنان بود که کارساز می‌شد (De Chinon, 1671: 62). دلاواله که در اوایل قرن هفدهم به ایران سفر کرده نیز از روستایی یاد می‌کند که متعلق به زنی موسوم به «خانم سلطان» بوده و دلاواله و همسرش هنگام عبور از آن روستا به منزل آن زن دعوت و به گرمی پذیرایی می‌شود (دلاواله، ۱۳۹۱: ۱۱). این در حالی است که دومان ارتباط نزدیکی با دربار داشت و شاهد زنان قدرتمند در دربار صفوی بوده است؛ زنانی که از ادوار پیشین شناخته شده بودند همچون: پری‌خان خانم، دختر شاه تهماسب اول، جهان‌خاتون، همسر شاه اسماعیل، و زینب‌بیگم، عمه شاه عباس اول. محدود کردن کارکرد اجتماعی زنان به روسپی‌گری نشان از این است که دومان، خودآگاه یا ناخودآگاه، برخی از تصاویر منفی زنان در ذهن و زبانش برجسته‌تر و برخی تصاویر مثبت و واقعی از دیده او پنهان می‌شده است.

۴. ازدواج

دومان در مورد ازدواج در ایران چنین می‌نویسد: از خیلی پیش‌تر والدین دو جوان آنان را به ازدواج هم درمی‌آوردند و جوانان خود انتخابی نداشتند... در اینجا کسانی که کار ازدواج را جوش می‌دهند زانی هستند که می‌روند و می‌آیند و طرفین را با برشمردن زیبایی‌های طرف دیگر به اشتباه می‌اندازند. کاری می‌کنند شخص باورش شود طرف مقابل زیباترین صورت و رعنائترین قامت را دارد و خلاصه عین ملکه‌هاست و امر به او مشتبه می‌شود. مرد چنان مبلغی برای مهریه همسر آینده‌اش متعهد می‌شود که معمولاً از عهده هم بر نمی‌آید. این مبلغ برای روزی است که مرد بخواهد زنش را طلاق دهد. توافق که انجام شد، داماد باید برای نامزدش باشلق بفرستد، یعنی پولی برای پوشاک و اسباب منزل محبوبه‌اش. عروس باید دو برابر این پول را به آن علاوه کند، مثلاً بابت ده تومان باشلق، سی تومان خرج لباس زن، نیمتنه، عنبرچه و چارقد و ژنده پاره‌هایی می‌شود که برای آراستن او لازم است. چون اینجا لباس برای زن بیشتر سرمایه است تا زینت، لباس‌ها و وسایل خانه و حمام که آماده شد، والدین دختر آن‌ها را به والدین داماد نشان می‌دهند... (د: ۱۱۵). سپس نوبت به توصیف مراسم عقد می‌رسد: عروس با زن‌ها در اتاق دیگری است و پرده‌ای بر در آن آویخته‌اند... ملاً از دو طرف می‌پرسد آیا راضی هستید؟ داماد بدون ترس از مخصه‌ای که خود را در آن می‌اندازد... چون هنوز جاهل

است. می‌گوید: آره، بله^۱ زن‌ها دختر را وامی‌دارند که بله را بگوید. داماد که به هوای وصفی که از زیبایی دختر شنیده مهریه‌ای تقبل کرده که نه خودش، بلکه جد و آبائش هم از پس آن بر نمی‌آیند، برای اینکه زودتر آن چوب خشک را به آغوش بکشد کلمه‌ای حرف نمی‌زند و تنبور و دهل و سرناچی می‌فرستد. زن‌ها و مردها و بچه‌های دعوت‌شده به عروسی به خانه عروس می‌روند تا او را به خانه داماد بیاورند (د: ۱۱۶). در پایان توصیف مراسم ازدواج، دومان می‌گوید: «این چنین است مکر^۲ ایرانی‌های ما!» (د: ۱۱۶).

اینکه دومان در جای‌جای توصیفاتش از صفتهای طعنه‌آمیز و گاه عباراتی طنزآمیز بهره می‌جوید می‌تواند به شخصیت بذله‌گوی او نیز اشارت داشته باشد. شخصیتی که گاه مرز میان جدیت و شوخ بودن و منتقد بودنش روشن نیست: برخی از کلمات و عبارات در همین بخش این نگاه را تأیید می‌کند: عروسی که عین ملکه‌هاست، لباس ژنده پاره، هنوز جاهل است، در آغوش کشیدن چوب خشک.

۵. طلاق و ازدواج مجدد

زنان ایرانی پس از ازدواج با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. یکی از آن مسائل این است که مرد برای طلاق دادن زن، هر زمان که خواست، آزاد است و از این حق خود به‌مانند حربه‌ای استفاده می‌کند: [داماد] هنوز یک تیر در چله دارد و آن طلاق^۳ است، به شکلی که در ادامه خواهیم گفت: در را باز می‌کند، پهنانهایی را می‌آورد، چرندیاتی به پدر و مادر همسرش تحویل می‌دهد... (د: ۱۱۹) و دیگری ازدواج مجدد مرد، که در اسلام تحت شرایطی جایز شمرده شده است و در ایران آن عصر رایج بود. هرچند زن از حقوقی مانند مهریه و جهیزیه برخوردار بود، مرد می‌توانست او را تحت فشار بگذارد تا از حقوقش صرف‌نظر کند: اگر مرد از زنش راضی نباشد، یک زن دیگر می‌گیرد. اولی را نادیده می‌گیرد و تحقیر می‌کند و دومی را همه‌جوره می‌خواهد. حسادت و رقابت زن اول شروع می‌شود. طلاق و مهریه‌اش را می‌خواهد. شوهر می‌گوید اصلاً راضی به طلاق نیست و می‌گوید: «چه چیز کم دارید؟ کی اذیتتان کرده؟ اگر کسی دست از پا خطا کرده به شما جسارت کرده، بگویید خودم علاج^۴ می‌کنم» با این حال او از تماشای حسادت که غلیان می‌کند خوشش می‌آید. زن وانمود می‌کند می‌خواهد برود. می‌گوید «کل جهیزیه^۵ ام را به شما می‌بخشم، ولم کنید». مرد تلاشش را بیشتر می‌کند. زن جیغ می‌کشد. گریه می‌کند و می‌گوید «یک‌سوم از مهریه^۶ ام هم مال شما. بگذارید بروم» مرد خود را به نشنیدن می‌زند. زن که او را بی‌توجه می‌بیند می‌گوید

1. aré, belé

2. makre

3. La répudiation

4. alage

5. La dot

6. La Doüière (douaire)

«جهنم»^۱ همه مهریه را بخشیدم». مرد می‌بیند که خوب شد. شاید آن قدر با او بد رفتاری کند که علاوه بر جهیزیه رخت و لباسش را هم ببخشد و بعد راضی شود زن لخت و عور از خانه برود. مرد که نقش خوبی بازی کرده و برد را نزدیک می‌بیند می‌گوید باشد. برویم پیش قاضی... (د: ۱۲۱).

سپس دومان از فرصت استفاده می‌کند تا انواع مختلف ازدواج را در اسلام توضیح دهد. او از «متعّه» یا صیغه با عنوان ازدواج اجاره‌ای یاد می‌کند: ملاً صیغه را برای مدت مشخصی می‌خواند. ده سال یا دو سال چندماه یا چندروز. در انتهای مدّت مرد باید مبلغی که متّعهد شده پردازد و زن تا چهل روز خود را تسلیم دیگری نکند تا اگر حامله بود مشخص شود... نوع دیگر ازدواج، ازدواج با زن یا دختری است که کنیز باشد. فرزندان حاصل از این پیوند مشروع خواهند بود و ارث می‌برند و ارث پسر دو برابر دختر است (د: ۱۲۲). البته خانواده‌هایی که در آن‌ها چندهمسری وجود دارد با مشکلات زیادی مواجه‌اند: زن‌های صیغه‌ای که مدّت صیغه‌شان تمام شده باشد، فرزند دختر را اگر بخواهند می‌برند و پسر با پدر می‌ماند. مرد اینجا می‌تواند چهار زن دائم بگیرد و هرچقدر دلش خواست صیغه و هرچقدر جیبش اجازه داد کنیز، چیزی که در خانه‌هایی که این چندهمسری سیری‌ناپذیر در آن است جاری است. اینجا جهنّم است. بچه‌های این زنان، زندان‌بانان بدبخت این زندانیان دوزخ، باهم در فتنه‌آند. هیچ عشق و محبتی نیست. ادعا می‌کنند که دلیلشان برای چندهمسری این است که فرزندان بیشتری برای خدمت به خدا داشته باشند ولی درواقع به دلیل ارضای شهوتشان است (د: ۱۲۲).

این توصیف دومان از مراسم ازدواج، آن را مشابه یک قرارداد تجاری، و نه پیوند عاطفی، نشان می‌دهد. خصوصاً زمانی که آن را با فرانسه مقایسه می‌کند و می‌نویسد که در اینجا از ماجراهای عاشقانه خبری نیست. هرچند بخشی از این تصاویر در واقعیت آن روزگار ریشه دارد و نمونه‌هایی از آن در همین دوره نیز مشاهده می‌شود؛ اما وضعیت فرانسه قرن هفدهم نیز آن چنان که دومان در جایگاه آرمان‌شهری توصیف می‌کند نیست. ویل دورانت دربارهٔ رسوم ازدواج در عصر لویی چهاردهم می‌نویسد: در کار ازدواج عموماً کسب، حفظ و انتقال مال مهم‌تر شمرده می‌شد... پس از آنجا که در میان اشراف بیشتر ازدواج‌ها چیزی جز معامله مالی نبودند، جامعهٔ متنعّم فرانسه زن‌بارگی و روابط جنسی نامشروع را معذور می‌داشت (۱۳۶۹: ۳۷).

ازدواج دختران فرانسوی نیز در سنین بسیار پایین و فقط با نظر خانواده صورت می‌گرفت. جنبش ادبی پرسویوزیته در قرن هفدهم، که سردمداران آن بانوان اشرافی فرانسه بودند، به نوعی واکنش زنان فرانسه به نادیده گرفته شدن احساسات عاشقانه‌شان و تلاشی برای مطرح کردن خود در برابر مردان بود. این جنبش در اصل پالودن زبان فرانسه از واژه‌های عوامانه و آراستن آن با واژگانی درخور شأن نجیب‌زادگان را وجههٔ همت خود قرار داده بود، اما در کنار آن، پیشروان آن می‌کوشیدند طرز شایسته رفتار

1. Gehennem

2. Fetné

با بانوان نجیب‌زاده را در آثار خود بازتاب دهند. رفتاری که خود آرزو داشتند از مردان اطراف خویش ببینند. در آثاری همچون نقشه سرزمین محبت^۱ از مادام کاترین دو رامبوییه^۲، این عواطف سرکوب‌شده به خوبی نمود یافته است. در این اثر تمثیلی، که شرح مراحل عاشقانه به روش مطلوب ظرافت‌گرایان است، عشق به مانند سرزمینی تصویر شده که در آن «رودخانه تمایل» جاری است. دو نهر «احترام» و «آشنایی» به این رودخانه می‌پیوندند. سه شهر «میل به محبت»، «میل به احترام» و «میل به آشنایی» در این سرزمین قرار دارند و فی‌المثل برای رفتن از شهر «دوستی تازه» به شهر «میل به احترام» باید از محله «روح والا» و روستاهای «اشعار زیبا»، «نامه لطیف» و «نامه عاشقانه» عبور کرد. این مناسبات و مقدمات عاشقانه، خصوصاً در طبقه اشراف، در فرایند ازدواج جایی نداشتند و آنچه بدان توجه می‌شد، مناسبات خانوادگی و اقتصادی بود، لاجرم زنانی که از طبع روان و ذوق سلیم برخوردار بودند، آرزوهای خود را در آثار ادبی جنبش پرسویزیده به تصویر می‌کشیدند.

سنت جهیزیه در فرانسه آن دوران با شدتی بیش از ایران معمول بود و هر دختر جوان باید مبلغی با عنوان جهیزیه به خانه شوهر می‌آورد که در مواردی همان سهم الارث او بود. درحالی‌که زنان ایرانی از پشتوانه‌ای همچون مهریه برخوردار بودند که دومان نیز به آن اذعان دارد و همچنین مطابق نوشته خود دومان، رخت و جهیزیه زن متعلق به خود او و به‌مثابه سرمایه‌ای برای او بود که هزینه بخشی از آن را نیز داماد متقبل می‌شد. کلیه تصاویر ارائه‌شده از زن در فرایند ازدواج (۶ تصویر از ازدواج، ۳ تصویر از طلاق و ۷ تصویر از ازدواج مجدد) منفی هستند. دلیل عمده آن شاید این باشد که برای دومان به‌عنوان یک روحانی کاتولیک، ازدواج یک ضد ارزش به شمار می‌آمد. در نظر کشیشان و عالمان الهی زن هنوز همان حوای مجسم در همه جا بود که آدمی را از فردوس برین محروم ساخت و هنوز همان آلت مطلوبی بود در دست شیطان برای اغفال مردان و فرستادن آنان به دوزخ (بختیار و رضایی، ۱۳۹۱: ۶۳). طلاق نیز در دین مسیح امری نکوهیده تلقی می‌شد و براساس کتاب مقدس، هر کس همسر خود را به دلیلی غیر از زنا طلاق می‌داد زناکار بود. درک ازدواج مجدد نیز برای کسی متعلق به دنیایی خارج از گفتمان اسلام آسان نبوده و به همین دلیل با استفاده از عبارت «ازدواج اجاره‌ای»^۳ آن را همسنگ فحشا قرار می‌دهد.

بعید است آنچه دومان درباره روابط چند همسر یک مرد و فرزندان آنان با یکدیگر می‌نویسد حاصل مشاهدات مستقیم خود او بوده باشد. چنین مناسباتی در اندرونی منازل جاری بود و کسی جز محارم به آن راهی نداشت. بنابراین، تصاویر ارائه‌شده در این زمینه احتمالاً براساس شنیده‌های نویسنده شکل گرفته‌اند.

1. Carte de Tendre
2. Catherine de Rambouillet
3. Femme à louage

در جدول ۱، تصاویری که دومان از زنان ایرانی ارائه کرده است، به همراه نوع روایت و ارزش‌گذاری آن فهرست شده‌اند.

جدول ۱. تصاویر زنان ایرانی در سفرنامه‌ی رافائل دومان

نوع روایت	نگاه ارزش‌گذارانه	موضوع	تصویر
مستقیم	خنثی	زنان اقلیت‌های مذهبی	پوشاندن بخشی از صورت به قصد حفظ حیا
مستقیم	مثبت	زنان اقلیت‌های مذهبی	لباس‌های مرغوب و ظریف
مستقیم	خنثی	زنان اقلیت‌های مذهبی	استفاده از پارچه‌های غربی
مستقیم	منفی	زنان اقلیت‌های مذهبی	ازدواج در سنین پایین
مستقیم	منفی	زنان اقلیت‌های مذهبی	تحمیل امور منزل به عروس
مستقیم	منفی	زنان اقلیت‌های مذهبی	سخن نگفتن بزرگ‌ترها با عروس
مستقیم	منفی	موقعیت زنان در منزل	جایگاه جداگانه زنان تحت عنوان حرمخانه
مستقیم	منفی	موقعیت زنان در منزل	ارتباط با بیرون از حرم از طریق خواجگان
مستقیم	منفی	موقعیت زنان در منزل	انتخاب زشت‌ترین خواجگان برای خدمت در حرم
مستقیم	منفی	موقعیت زنان در خارج از منزل	خروج با همراهی چند قرقچی
مستقیم	منفی	موقعیت زنان در خارج از منزل	پوشاندن تمام بدن، حتی صورت
مستقیم	منفی	موقعیت زنان در خارج از منزل	بی‌آزرم بودن و چشم دراندن
مستقیم	منفی	موقعیت زنان در خارج از منزل	جیب کشیدن و رفتار ناهنجار در عزاداری
مستقیم	منفی	رقاصگان	روی نشاندن و روابط آزاد
مستقیم	منفی	رقاصگان	جایگاه نازل اجتماعی حتی اگر به دربار راه می‌یافتند
مستقیم	منفی	رقاصگان	قیح رقص برای افراد محترم و نجیب
	منفی	ازدواج	مبالغه کردن واسطه‌ی ازدواج در زیبایی دختر
مستقیم	منفی	ازدواج	تعیین مهریه‌ی بالا
مستقیم	منفی	ازدواج	خرید لباس (با استفاده از اصطلاح «ژنده»)
مستقیم	منفی	ازدواج	مخمصه‌ای که داماد از سر جهالت خود را در آن می‌اندازد
مستقیم	منفی	ازدواج	تشبیه عروس به چوب خشک (نداشتن جذابیت ظاهری)
مستقیم	منفی	ازدواج	نبود عشق در ازدواج و نقش پررنگ والدین
مستقیم	منفی	طلاق	طلاق به‌مثابه‌ی تیری در چله‌ی کمان مرد
مستقیم	منفی	طلاق	طلاق دادن زن بدون دلیل موجه و با بهانه
مستقیم	منفی	طلاق	تحت فشار گذاشتن زن برای چشم‌پوشی او از حق و حقوقش

نوع روایت	نگاه ارزش گزارانه	موضوع	تصویر
مستقیم	منفی	چندهمسری	تحقیر زن اول
غیر مستقیم	منفی	چندهمسری	حسادت و رقابت زنان
غیر مستقیم	منفی	چندهمسری	عنوان کردن صیغه با عبارت «ازدواج اجاره‌ای»
غیر مستقیم	منفی	چندهمسری	تشبیه خانواده‌های چندهمسری به جهنم و زندان
غیر مستقیم	منفی	چندهمسری	دشمنی فرزندان
غیر مستقیم	منفی	چندهمسری	ازدواج به بهانه رضای خدا اما در اصل به قصد ارضای شهوت

نتیجه‌گیری

در میان تصاویر ارائه شده از زنان توسط دومان، فقط دو تصویر خنثی (روی پوشاندن زنان اقلیت‌های مذهبی و استفاده آنان از پارچه‌های غربی) و یک تصویر مثبت (مرغوبیت پارچه لباس زنان ارمنی) دیده می‌شود. تصویر مثبت اخیر نیز مستقیماً به خود زن بر نمی‌گردد و بیشتر ناظر به توانمندی تجاری ارامنه در عصر صفوی است که در عرصه تجارت خارجی فعال بودند و دومان خود در جای دیگری از کتابش به آن پرداخته است. باقی تصاویر (۲۹ تصویر) بار ارزشی منفی دارند. دلیل این دید منفی را در چند عامل می‌توان جست‌وجو کرد. نخست، مأموریت دومان در تبلیغ دین مسیح که طبیعتاً باعث می‌شد نسبت به پیروان سایر مذاهب (حتی ارامنه ایرانی) دید مثبتی نداشته باشد، خاصه آنکه در این مأموریت توفیق چندانی نیز نیافته بود. دوم، حسّ خودبرتربینی اروپایی دومان که او را به نگاه از بالا به پایین به ایرانیان وامی‌داشت. این نگاه منفی در سرتاسر نوشته‌های او دیده می‌شود و در موارد زیادی ایرانیان را با فرانسویان مقایسه کرده و هموطنان خود را به ایرانیان برتری می‌دهد. سومین عامل را می‌توان دید نه‌چندان مثبت مسیحیت نسبت به زنان دانست. زن در مسیحیت کاتولیک عامل اغوا و انحطاط مرد معرفی می‌شود و به همین دلیل مردان کلیسا از ازدواج می‌پرهیزند. بی‌اعتمادی او به زنان و عقیده‌اش به فساد اخلاقی آنان هنگامی مشخص‌تر می‌شود که او به بی‌آزرمی آنان در عین حفظ حجاب و انتخاب زشت‌ترین خواجگان برای خدمت در اندرونی تأکید می‌ورزد. احساس بیگانی با دیگری و احساس قربت با خودی و عناصر آن نیز در شکل‌گیری این نوع نگرش دومان تأثیرگذار بوده است.

طبق مراحل که نانکت برای بررسی تصویرشناختی متن لحاظ کرده است، متن دومان در سطح زبان با به‌کارگیری صفات تحقیرآمیز (همچون ضعیفه، چوب خشک و...)؛ استعاره‌های فعلی موهن (مثلاً کاربرد فعل «زوزه کشیدن» برای زنان) و کنایه‌هایی با هدف تمسخر (مثلاً استفاده از واژه «پریزاد» هنگامی

که می‌خواهد بر بیهودگی مراقبت از زنان تأکید کند) تصاویری منفی از زنان ارائه می‌دهد. شخصیتی که از این رهگذر از زنان ترسیم می‌شود شخصیتی است ناتوان، تحت ستم و در عین حال نفرت‌انگیز و غیرقابل ترحم. سپس به توصیف پیوند شخصیت با فضا، بافت تاریخی و اجتماعی عصر می‌رسیم. از میان ۳۱ تصویری که دومان از زنان ایرانی در اثرش ارائه کرده است، ۲۱ تصویر، یعنی حدود دوسوم تصاویر، مربوط به حضور زنان در چارچوب خانواده است (ازدواج، طلاق و ارتباط با سایر اعضای خانواده). این امر از سویی می‌تواند به این دلیل باشد که نقش اجتماعی زنان در آن عصر چندان نمود بیرونی نداشت. اموری چون سرمایه‌گذاری بانوان در امور خیریه، پرداختن آنان به شعر و ادب و هنر و اعمال نفوذشان در دربار و امور سیاسی به گونه‌ای انجام می‌گرفت که خود آنان کمتر دیده می‌شدند، زیرا ارزش در پوشیده بودن زنان بود. از سوی دیگر، دید منفی دومان به زنان می‌تواند دلیل کم‌توجهی او به بعد اجتماعی زندگی آنان باشد، زیرا چنان‌که ذکر شد، اروپاییان دیگری چون گابریل دوشینون و دلاواله شمه‌ای از این بعد را مطرح کرده‌اند. از میان هفت تصویری که ناظر به حضور زنان در خارج از منزل است، سه تصویر به گروهی از زنان می‌پردازد که از نظر اجتماع، محترم تلقی نمی‌شدند (رقاصگان و بدکاران) و دو تصویر مربوط به حواشی حضور زنان در خارج از منزل می‌شود (پوشش زنان و حضور قرقچیان به همراه آنان). این امر دیدگاه ما مبنی بر کم بودن بروز خارجی حضور اجتماعی زنان را تأیید می‌کند. مرحله آخر - بررسی زمان - در این پژوهش جایگاهی ندارد، زیرا دومان با آنچه توصیف می‌کند فاصله زمانی نداشته است.

چنان‌که در مقدمه ذکر شد، تصاویر را در وهله اول می‌توان به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد. غالب تصاویر ارائه‌شده در کتاب دومان را می‌توان از نوع تصاویر مستقیم قلمداد کرد، زیرا نویسنده سالیان درازی در ایران زیسته و مشاهدات متعددی داشته است. در این میان، برخی تصاویر که به اندرونی منازل و روابط خانوادگی مسلمانان ارتباط دارند، به احتمال زیاد، غیر مستقیم‌اند.

منابع

- آگاهی، عباس (۱۳۵۳). «وضع ایران در زمان شاه عباس ثانی»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۵۲، ص ۱۵۱-۱۷۰.
- بختیار، مریم و رضایی، اکرم (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه زن در اسلام و مسیحیت». *زن و فرهنگ*، ش ۱۱، ص ۶۰-۷۴.
- تاورنیه، ژان باتسیت (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب خسروی. اصفهان: کتاب‌فروشی تایید.
- ترکمان، اسکندریگ (۱۳۳۴). *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران: امیر کبیر.
- دلاواله، پیتر (۱۳۹۱). *سفرنامه پیتر دلاواله* (بخش مربوط به ایران)، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی فرهنگی.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن*، ج ۸ (عصر لویی چهاردهم)، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- جعفریان، رسول (۱۳۹۵). مجلس دیدار فیض کاشانی با پدر رافائل دومان فرانسوی
https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKEwiefSv6uD3AhUH16QKHTRuBJgQFnoECAQQAQ&url=http%3A%2F%2Fwww.safavica.ir%2Farticle%2Fhousekashni_meeting_rafaeduman%2F&usg=AOvVaw10UYA61Oixir7cA8CxAYhC
 ساجدی، طهمورث (۱۳۹۷). «رافائل دومان فرانسوی و ایران عصر صفوی»، نامه فرهنگستان، ش ۶۸، ص ۱۶۸-۱۸۶.
- عباسی، مهناز (۱۳۹۸). «تصویر زنان در سفرنامه مقدسی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، ش ۳۹، ص ۷۵-۱۰۵.
 عقیلی، احمد (۱۳۹۳). «تحلیل تاریخی فعالیت‌های میسیونری در عصر جانشینان شاه عباس اول» (۱۰۳۸-۱۱۳۵ق/۱۶۲۹-۱۷۲۲م)، پژوهش‌های تاریخی، ش ۲۱، ص ۸۵-۱۰۸.
 قلی‌زاده، آذر (۱۳۸۳). «نگاهی جامعه‌شناختی به موقعیت زنان عصر صفوی»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره دوم، ش ۲، ص ۷۷-۸۸.
- کاظمی، مرضیه (۱۳۹۵). «بررسی علل گسترش فحشا در دوره صفوی». تاریخ‌روایی، ش اول، ص ۵۶-۷۴.
 منتظرالقائم، اصغر و شعبانی، زینب (۱۳۹۸). «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه»، دوفصلنامه کتیبه میراث شیعه، ش ۲، ص ۵۳-۸۶.
- نانکت، لاتیسیا (۱۳۹۰). «تصویرشناسی به‌منزله خوانش متون نثر فرانسه و فارسی»، ترجمه مژده دقیقی، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه فرهنگستان) ش ۳، ص ۱۰۰-۱۱۵.
 وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۳۹). عباسنامه (شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی ۱۰۵۲-۱۰۷۳)، اراک: کتاب‌فروشی داوودی.

- De Chinon, Gabriel (1671). *Relations nouvelles du Levant, ou traités de la Religion, du gouvernement et des coutumes des Perses, des Arméniens, et des Gaures*. Lion, Thiloy.
- Du mans, Raphael (1890). *Estat de la Perse en 1660*, Paris, libraire de la societe asiatique de l'ecole des langue orientales vivantes.
- Montandon, A. "Les caractères nationaux dans la littérature française : problèmes de méthode". In: *Cahiers de l'Association internationale des études francaises*, 2002, n°54. pp. 251-269.
- Richard, Francis. "DU MANS, RAPHAEL," *Encyclopaedia Iranica*, VII/6, pp. 571-572, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/du-mans> (accessed on 30 December 2012).